

به نام خدا

موضوع داستان : سه سبک ارتباطی

نویسنده : آرنیکا مالکی از کلاس پنجم

لیلیوم ۱

سه شخصیت اصلی داستان :

هاله لاله ژاله



هوا آفتابی و گرم بود. توی شهرپور ماه تابستان بودیم و یک ماه تا شروع مدارس مانده بود. امسال مادر و پدر سه قلو های ما لاله و هاله و ژاله را در مدرسه ی جدید ثبت نام کردن.

امروز بچه ها در خانه تنها بودند چون مادر و پدر آنها برای جلسه ی کاری دیر وقت به خانه بر می گشتند. ژاله داشت می گفت: من امروز غذا را داغ می کنم. هاله گفت: باشه، ولی از ته دل راضی نبود. لاله گفت: نه، همان لحظه ژاله گفت: چرا من دوست دارم غذاها رو گرم کنم.

لاله در جوابش گفت: به خاطر اینکه دفعه آخری که مامان و بابا به جلسه رفته بودند تو غذا رو گرم کردی و الان نوبت به هاله رسیده پس الان ناهار را باید هاله گرم کند.

هاله چیزی نمی گفت. ژاله می خواست خودش رو بزرگ نشان دهد و لاله هم طرف کسی را گرفت که باید غذا را گرم کند. زنگ خانه به صدا در آمد دینگ دینگ

چون ژاله و لاله در حال جر و بحث بودند هاله در رو باز کرد و خانم همسایه آمده بود سری به بچه ها بزند. هاله سلام کرد و کل ماجرا رو تعریف کرد، در آخر خانم همسایه غذای بچه ها را گرم کرد و رفت. آن روز گذشت و بالاخره به روز اول مدرسه رسیدیم.

بچه ها وارد مدرسه شدند یک گروه ۵ نفری که گویا پررو های مدرسه بودند، به سه قلو ها خندیدند. ژاله عصبانی شد ولی حرفی نزد. هاله چیزی نگفت چون از دعوا کردن خیلی خوشش نمی آمد و میترسید. حتی ژاله را نیز آرام کرد و لاله هم کمی ناراحت شد اما به روی خودش نیاورد چون میدانست از نظر خودش و مادر و پدرش بهترین سه قلو ها هستند و لاله به خودش و خواهر هایش باور داشت و به حرف دیگران اهمیت نمی داد.

لاله، هاله و ژاله سر یک نیمکت سه نفره، کنار هم نشستند. معلم وارد کلاس شد همه بر پا شدند معلم گفت: بچه ها امروز سه دانش آموز جدید در کلاس داریم سه قلو های بامزه با نام های لاله ، هاله و ژاله .

سه قلو ها بلند شدند و سلام کردند و سپس نشستند.

زنگ تفریح به صدا در آمد لاله و ژاله باهم به طرف حیاط رفتند. هاله داشت از کیفش خوراکی اش را برمیداشت که یک دفعه همان گروه پرو به طرف کلاس آمدند و او را هل دادند به سمت زمین و به او گفتند : تو باید تکالیف ما ۵ نفر را امشب حل کنی و اگر چیزی درباره امروز از کسی بشنوم ما میدانیم و تو .

هاله گفت : باشه

تند به طرف دستشویی دوید و در دستشویی رو بست و زد زیر گریه .
لاله داشت از بقل دستشویی رد میشد داشت دنبال هاله می گشت 'صدای
گریه رو شنید وارد دستشویی شد با ناراحتی گفت : تویی هاله چرا داری
گریه میکنی؟

هاله گفت : بچه های سال بالایی تهدیدم کردند و الان نباید به تو چیزی
بگم چون بهم گفتن نگو و الان دارن من رو دنبال میکنند تا به دفتر مدیر
نرم یا به کسی نگم .

لاله گفت : اشکال نداره آرام باش من این مشکل رو حل میکنم حالا
تهدید آنها چه بوده ؟

هاله کل ماجرا رو تعریف کرد . لاله به او گفت که هر موقع دفتر هایشان
را آوردند که بهت بدهند ' بگو نه .

هاله با ناراحتی به طرف کلاس رفت . زنگ آخر همان گروه کتاب هایشان
را آوردند و هاله نتوانست نه بگوید .

کل آن شب هاله داشت مشق آن پنج نفر را می نوشت و نتوانست مشق
های خودش را بنویسد چون خوابش برد .

فردا صبح معلم هاله آن را دعوا کرد و هاله کلا حال خوبی نداشت .

لاله تصمیم گرفتند که به پیش مشاور مدرسه برود .

هاله می گفت نه اما نظرش یک دفعه تغییر کرد و گفت :

من خیلی هم خوبم و دیگر تحمل ندارم باید ان ها را تنبیه کنند . ژاله حرف او را قبول کرد .

لاله گفت : آرام باشید اول باید با خانم مشاور صحبت کنیم و راه حل درست را پیدا کنیم .

بعد از این حرف لاله ، بچه ها به طرف دفتر مشاور مدرسه رفتند .

لاله به صورت کامل کل داستان را برای مشاور تعریف کرد .

قبل از اینکه مشاور حرفی بزند رفت و از معلم بچه ها اجازه گرفت تا زنگ اخر بچه ها پیش او باشند. معلم اجازه داد .

مشاور گفت : مرسی بچه ها که ما را در جریان قرار دادید و من از معلمان اجازه گرفتم که این زنگ را پیش من باشید تا باهاتون در این باره صحبت کنم و درباره دعوی معلمت هاله جان ، من با معلمان در این باره هم صحبت میکنم .

خب هاله جان کار شما کمی اشتباه بوده . شما باید به آنها در ابتدا نه میگفتی و آنجا را ترک میکردی و سریع به ما میگفتی تا زودتر باهم حرف میزدیم که آنقدر اذیت نمیشدی .

لاله جان رفتار شما بسیار خوب و بجا بوده است . تصمیم درستی گرفته ای .

و شما ژاله جان کار شما هم کمی اشکال دارد . شما هم باید مثل خواهرت لاله ابتدا باید پیش من می آمدید .

حالا می خواهم درباره سه سبک ارتباطی برایتان بگم که بعد از این آموزش متوجه اشتباه های خود می شوید:

۱ – منفعلانه : تعریف اصلی این سبک اینکه من بدم تو خوبی .

این افراد از دعوا میترسن و میگویند باشه تو درست میگی من چیزی نمی گویم .

مشکلاتی در این افراد به وجود می آید مثل : اعتماد به نفس پایین – قابل سو استفاده اند – کسی خیلی قبولشان نداره

البته بعضی از آنها همیشه منفعل نیستند در بعضی وقت هایی که
مجبورند منفعل میشوند .

و این افراد در آخر پرخاشگر می شوند به خاطر اینکه آنقدر به حرف های
دیگران گوش داده اند که دیگر خسته شده اند و به پرخاشگر تبدیل می
شوند .

۲ - پرخاشگرانه : یعنی من خوبم همه بدن .

برای مثال این افراد می گویند اگر این کار را نکنی باهات قهر میکنم یا
تو را تولدم دعوت نمی کنم .

البته پرخاشگرانه همیشه به معنی دعوا نیست .

این افراد در صحبت هایشان همیشه من من می کنند و خودشان را از
همه بالاتر می دانند ، در نوبت نمی توانند منتظر به مانند ، داد و بی داد
می کنند و به دیگران برچسب میزنند و بقیه را مسخره می کنند .

این افراد دوستان کمی دارند همان دوست هایی هم که دارند همان
افرادی هستند که منفعلند .

۳ - جرئت مندانه : یعنی من خوبم تو هم خوبی .

بهترین و کامل ترین سبک ، سبک جرئت مندانه است که همیشه هم از حق خودشان دفاع میکنند و هم به حرف دیگران گوش میدهند و همیشه حل اختلاف می کنند .

ویژگی های آنها : شنونده و پذیرا – تن صدایشون محکم و مستقل
اصول این سبک : برابری – حل اختلاف

خب بچه ها امیدوارم که متوجه شده باشید . هاله لاله ژاله از خانم مشاور تشکر کردند و سعی کردند کار های درستی انجام دهند و سبک ارتباطی جرئت مندانه ای داشته باشند.

فردای ان روز خانم مشاور با معلم بچه ها حرف زد و کل داستان را برایش تعریف کرد و بعد از صحبت آنها معلم از هاله دلجویی کرد و آن سال بالایی ها هم پیش مدیر مدرسه رفتند و همه چیز به خوبی و خوشی تمام شد .

پایان